

کنکاشی در هم نشینی اشکال و ضرورت مفصل و بازبینی آن در معماری بومی ایران از منظر اندیشه اسلامی

یدالله احمدی دیسفائی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶

چکیده:

مقاله در نظر دارد به این سوال پاسخ بدهد که: آیا می‌توان بر پایه‌ی متون و گزاره‌های دینی هم نشینی و قرینگی اشکال در معماری اسلامی را تفسیر کرد؟ و اینکه آیا تناظری بین شکل معماری اسلامی و گزاره‌های دینی وجود دارد؟ معنی هم نشینی شکلها و قرینگی آنها در گزاره‌های دینی نشان از چیست؟ از این رو محدوده‌ی مطالعه علاوه بر متون معماری، متون مربوط به اندیشمندان دنیای اسلام است. تحقیق از نوع کیفی است و معارف به دست آمده حاصل استنتاج منطقی بر پایه ی معارف و گزاره‌های موجود در این اندیشه است. نتایج حاکی از آن است که می‌توان ارتباطی بین گزاره‌های دینی و وحیانی با هم نشینی اشکال و ایجاد مفصل و فضاهای بینابینی مشاهده کرد که بر پایه‌ی متون قابل تفسیر است و معنی آن نمایش یگانگی و وحدت در عین کثرت دانست یعنی پیام قرینگی بیان حس وحدت است. ایجاد مفصل در معماری و ملائمت بین اعضای نا متجانس و متخالف در معماری با ایجاد برزخ یا مفصل نشان از عمل نمودن معمار مانند معمار طبیعت است و این نوعی بندگی خدا است. در این میان می‌توان گفت بین انسان و طبیعت و معماری نیز این رابطه قابل کشف است.

واژگان کلیدی: فضاهای بینابینی، مفصل، معماری بومی، معماری اسلامی، ملائمت، قرینگی

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی رودهن Email: yahmadi@riau.ac.ir

(۱) مقدمه:

برپایه‌ی چهار گزاره وحیانی و روایی پایه‌ی فرضیه مقاله استوار است از این رو با تبیین این چهار گزاره در یافتن نشانه‌هایی از معماری بومی ایران (که طبق پیش فرض مقاله معماری اسلامی است) سعی در اثبات این فرضیه‌ها دارد که:

- هم نشینی و قرینگی اشکال و ایجاد مفصل در این هم نشینی در معماری پایه‌ی نظری دارد.
 - ایجاد فصل در طبیعت (معماری خداوند) نیز وجود دارد.
 - مفصل، ملائمت بین جانب‌های متخالف به وجود می‌آورد.
 - تناظر و تطابقی بین ساختار و نظامات معماری، طبیعت و انسان وجود دارد.
- از این رو ابتدا با ارائه‌ی چهار گزاره و تبیین موضوع برزخ، ملائمت، قرینگی و معنی آن به مصادیق معماری بومی مراجعه شده و سعی در تفسیر مصادیق بر پایه‌ی این گزاره‌ها دارد.

(۱-۱) گزاره‌ی اول:

قرآن کریم (۵۵:۲۰) الرحمن: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» بین آنها برزخی قرار دادیم که به هم آمیخته نمی‌شوند. (ترجمه از نویسنده)

(۲-۱) گزاره‌ی دوم:

«ملائمه لاحتائها» (خطبه ۱۲) تناسب و توافق بین اعوجاجات و جنبه‌های اشیا قرار داد. (مدرس وحید، ۴۰۲ ق: ۱۶۰ و ۱۶۱)

خطبه‌ی ۸۲ نهج البلاغه امام علی علیه السلام در بیان خلقت طبیعت توسط خداوند، توافق و تناسب بین جانب‌های متخالف و گوناگون با هم را از ویژگی‌های خلقت طبیعت توسط خداوند بر می‌شمارد.

«ملائمه لاحتائها فی ترکیب صورها- قرار داده شما را- اعضائی که ملایم و موافق است به جهت و جوانبی که هر عضو در آنجا مشکل شده از مفاصل و مواصل در ترکیب صورتهایش، اعضاء و جوارح انسانی را به نحوی تالیف و ترکیب داده که هر عضوی در جای خود به نحو نافع‌تر و زیباتر و قشنگ که چشمها در بالا و مدد اعمارها- یعنی اعضاء و جوارح را با یکدیگر ملایم و موافق آفریده و برای هر یک از اعضا- قرار داده مدت عمر به نحوی که همگی با هم مقاوم و مقارن باشد- چنانکه اعضا با هم به زندگی و عمر به سر آید- و یکی از دیگری زود زوال و زود فنا نباشد» (همان، ۱۶۵)

(۳-۱) گزاره‌ی سوم:

خطبه‌ی اول نهج البلاغه امام علی علیه السلام در بیان ویژگی‌های خلقت طبیعت توسط خداوند علاوه بر تاکید گزاره‌ی دوم یعنی ملایمت و توافق بین جانب‌های متخالف را بیان می‌دارد به علم داشتن به قرینگی اشیا و جوانب این هم نشینی و قرینگی، آنها نیز اشاره می‌فرماید.

«و لام بین مختلفاتها، و غرز غرائزها، و الزمها اشباحها، عالما بها قبل ابتدائها، محیطا بحدودها و انتهائها، عارفا بقرائنها و احنائها. کائن لا عن حدث، لا عن عدم، مع کل شیء لا بمقارنه، و غیر کل شیء لا بمزایله.» (خطبه: ۱)

۴-۱) گزاره ی چهارم:

خطبه ی ۲۲۸ نهج البلاغه امام علی علیه السلام در بیان خلقت طبیعت توسط خداوند تقارن بین اشیا بیانگر آنست که خداوند قرینی ندارد و به وحدت در کثرت اشاره دارد. تضاد قراردادن و هم نشینی متضادها و ایجاد ملائمت بین آنها (گزاره دوم و سوم) به توسط برزخ بین این دو (گزاره اول) است.

«... و بمقارنته بین الاشیا عرف ان لا قرین له ضد النور بالظلمه و الوضوح بالبهمه و الجمود بلبلل و الحرور بالصرمد مولف بین متعادیاتها، مقارن بین متبایناتها، مقرب بین متباعداتها، مفرق بین متدانیاتها، لایشمل بحد، و لایحسب بعد» (خطبه ۲۲۸) «...و چون او میان اشیا مقارنت و قرب جوار پیدا کرد، دانسته شد که او را قرین و همنشین نیست. ضد کرد نور را باظلمت، و ظهور را با پوشیدگی و تیرگی، و خشگی را با تری، و گرمی را با سردی، و گفته اند (وضوح) (بیاض) و (بهمت) (سواد) است.» (قزوینی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۲۵۸) «الفت دهنده است و ترکیب کننده میان اشیا که از هم جدا و برکنارند، قرین سازنده است اشیائی را که با هم بینونت دارند، نزدیک سازند آنها را که از هم دورند، و جدا کننده است میان آنها بهم نزدیک اند.» (قزوینی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۲۵۹)

۲) قرینگی و هم نشینی شکل ها :

عقل کلی در ذات خود وحدت دارد. تجلی این ذات در طبیعت نیز وحدت دارد. به دلیل حدپذیری ماده در طبیعت (و محدود به حدودی شدن)، صورت های گوناگون تولید می شوند که گاه این صورتها به هم شبیه و گاه مخالف هم هستند. برپایه ی فرضیه ی مقاله، وحدت به وجود آمده در طبیعت (در میان این همه گوناگونی صورتها)، در اثر ایجاد ملائمت بین صورتهاست. قرینه شناس با شناخت قراین و شناخت محدودیت هر قرین، آنها را در جای مناسب در نظام کلی قرار می دهد و از آنجائی که نیاز قراین در هم نشینی ها تغییر می کند قرینه شناس در زمان های متفاوت و مکان های متفاوت ملائمت بین قراین را با ایجاد فصل بین آنها برقرار می کند و از آنجائی که لحظه ها و تجلی ها تکرار ناپذیرند نوع قرینگی هم در هر لحظه متفاوت است و از این روست که طبیعت متفاوت و گوناگون است.

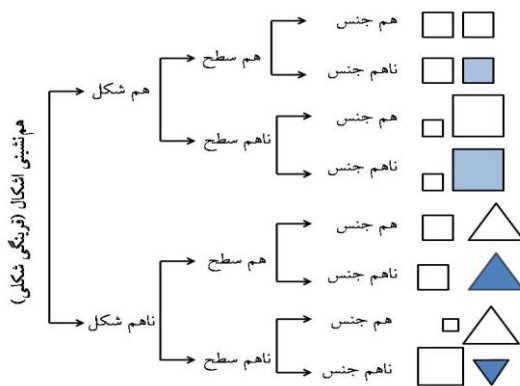
حاصل تمام تلاش ذهنی و فکری یک معمار وقتی که مجسم شده و تمایل تبدیل به معماری دارد مجبور است که محدودیت بپذیرد و حاصل آن شکل معماری می شود که توسط حواس قابل درک و لمس است. بنابراین هرگونه اندیشه ای برای منتقل شده در قالبی در می آید و با ظاهر شدن تبدیل به شکل و اشکال می گردد. با توجه به این مقدمه نوع قرارگیری اشکال در کنار هم با توجه به

عملکرد فضا، زمان و مکان، نیاز متقاضی و... متغییر و متفاوت است. به دیگر سخن می‌توان گفت معمار قرینه شناس در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت و بر پایه ی نیازهای متفاوت و عملکرد متفاوت معماری‌های متفاوتی را طراحی می‌کند. که اگر چنین نکند او قرینه شناس خوبی نخواهد بود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت دو کار یک معمار در زمان و مکان متفاوت شبیه هم نخواهد بود.

۳) روند تولید شکل و قرار گیری در کنار هم

اشکال برای به وجود آمدن حداقل باید دو بُعد بپذیرند و گرنه شکل (سطح) به وجود نخواهد آمد. بنابراین ضرورت ایجاد یک شکل پذیرش حداقل سه بُعد است. بنابراین می‌توان گفت ساده‌ترین شکل (از نظر تعداد ضلع) یک مثلث و ساده‌ترین حجم یک هرم است. (رفتار سازه‌ای یک مثلث و یک هرم در میان سطوح و احجام دیگر با تکیه بر اعضای خطی اضلاع و رؤوس، پایدارترین اشکال و احجام است.)

با آمدن و ایجاد یک شکل (در یک زمینه کلی) و ورود دیگر اشکال در هم‌نشینی باهم، شکل تازه وارد نسبت به شکل اولیه، بی تفاوت نخواهند بود. یعنی به محض آفرینش یک شکل جای خود را متناسب با کل فراتر از خود و پیرامون تعیین می‌کند و شکل بعدی نیز متناسب با شکل قبلی و با کل فراتر از هر دو سامان می‌یابد. یعنی قرارگیری یک شکل در کنار دیگر اشکال در ارتباطی خاص است. نوع ارتباط بین اشکال همان قرینگی اشکال است. در اینجا منظور از قرینگی شکلی، تنها قرینگی شکلی آینه‌ای نیست بلکه رابطه‌ای که دو یا چند شکل در هم‌نشینی با هم می‌توانند داشته باشند، است. حال اگر بر این هم نشینی جهت‌های اقلیمی و فرهنگی افزوده شود نوع قرارگیری هر شکل نسبت به هم علاوه بر ارتباطات بالا با اقلیم و جهت فرهنگی نیز ارتباط خواهند داشت گاهی ارتباطات اجتماعی نیز بر این هم نشینی موثرند که پرداختن به آنها از حوصله مقاله خارج است.



شکل (۱-۳) نمودار هم نشینی اشکال

با توجه به نمودار شکل (۳-۱) اگر تفاوت کمی و کیفی دیگر نیز در هم‌نشینی اشکال وارد شود، گوناگونی‌های بی‌شماری از هم‌نشینی اشکال قابل درک است که اگر عامل نظم و چیدمان این اشکال را هم متفاوت کنیم (منظم هندسی و نامنظم هندسی) گوناگونی اشکال بسیار زیاد خواهند شد.

حال بر پایه‌ی آن چه در مقدمه گفته شد چه عامل یا عواملی در هم‌نشینی اشکال مؤثر است؟ و آیا شکل مستقل از دیگری می‌تواند وجود داشته باشد و نظم حاصل از تفکر ارتباطی شبکه‌ای چه حاصلی خواهد داشت؟

شکل (۳-۲) هم‌نشینی اشکال در معماری با توجه به تفاوت کیفی و رابطه بین عملکردها

جزئیات معماری	مثال با مقیاس شهری	مثال معماری	نوع تفاوت	نوع رابطه	نیاز به فصل
آسمان وزمین	درون خانه و بیرون خانه	درون اتاق و بیرون اتاق	درون و بیرون	خصوصی عمومی	سلسله‌ای از فصل
	آب انبار و معبر	اتاق والدین	جنسیت	مثلاً دو همسر	گاهی نیازمند فصل
	مسجد و مدرسه	اتاق دو برادر و یا دو خواهر	سن و فهم	مثلاً دو برادر و دو خواهر	حداقل یک فصل
آسمان و ساختمان با فصل بام و رخ بام و زمین و ساختمان با فصل ازاره تیر و ستون و ستون و زمین، همجواری دو مصالح نا هم جنس مانند سنگ و آجر		اتاق پدربزرگ و اتاق کودک	سن، جنس و فهم	مثلاً پدر بزرگ و نوه	یک یا چند فصل
	خانه و دامداری	خانه و طویله	نوع	انسان و حیوان	
	باغات و دامداری	باغچه و طویله	نوع	گیاه و دام	
	خانه و بازار	کارگاه و اتاق	کیفیت	کار و استراحت	
	بازار و کارخانه	در حجره در بازار	کیفیت	کار و کار	
	فضای مسکونی محله	دو اتاق خواب	کیفیت	استراحت و استراحت	
		شبستان مردانه و زنانه	جنسیت	مردانه و زنانه	
	برخورد دو راسته بازار	راهرو و راهرو	کیفیت	حرکت و حرکت	
	مسجد و بازار	اتاق و راهرو	کیفیت	مکت و حرکت	
	مسجد و مدرسه	اتاق و اتاق	کیفیت	مکت و مکت	
	مدرسه و خانه	پذیرایی و اتاق	کیفیت	شلوغ و آرام	
		حمام و نشیمن	کیفیت	تری و خشکی	
		توالی و نشیمن	کیفیت	پاکی و نجسی	
	بازار و مسجد	اتاق نشیمن و مطالعه یا عبادتگاه	کیفیت	آفاقی و انفسی	
	اتاق برادر و اتاق خواهر	جنسیت	مثلاً خواهر و برادر		
فضای دامی و انسانی	پارکینگ و اتاق	کیفیت	کثیف و تمیز		

جایی که دو عملکرد متفاوت، دو جهت متفاوت و یا دوشیی متفاوت وجود دارد با یک مفصل به هم متصل می‌شوند. تغییر کیفیت و کمیت می‌تواند در یکی از لایه‌های شکل (۳-۳) باشد. هر چه تعداد لایه‌ها بیشتر باشد مفصل ایجاد شده قوی‌تر خواهد بود.

تضاد بین زوج‌ها بیانگر تدبیر معمار حکیم در معماری طبیعت است. تضاد بین شب و روز، سرد و گرم و... فضای بینابینی و برزخی به وجود می‌آورد این فضا فصل بین دو وجه است بنابراین هم نشینی زوج‌ها وجود مفصل را ضروری می‌سازد.


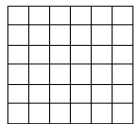
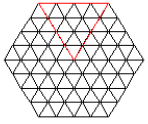
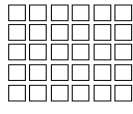
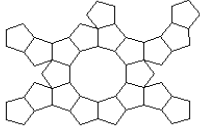
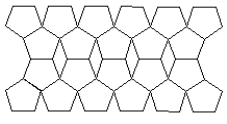
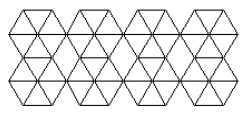
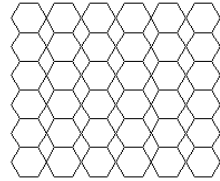
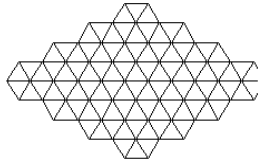
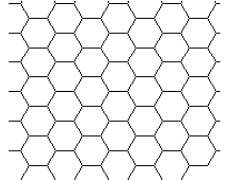
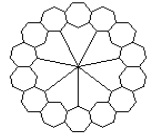
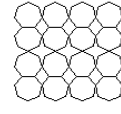
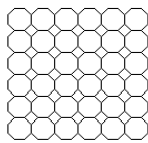
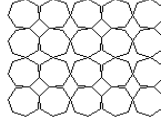
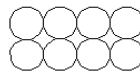
وجود مفصل‌ها در طبیعت ضروری است و در معماری نیز اگر به پیروی از معماری طبیعت باشد ضروری است. تعداد و عمق هر مفصل بسته به شرایط دو هم نشین متفاوت و متغیر است. در معماری بومی نیز این هم نشینی باعث به وجود آمدن مفصل‌هایی شده است. فصل بین درون و بیرون هشتی است فصل بین حیاط و اتاق صفا است و فصل بین حیاط و هشتی دالان ورودی است و...

بنابر این پیشینه، طراحی فضاهای معماری بین نیازهای انسان که در یک طیف جسمانی روحانی قرار دارد از لایه‌های متعدد زوج‌های متضاد عبور کرده و شکل کالبدی معماری متناسب به خود را می‌یابد.

<p>شکل (۳-۳) هم نشینی اشکال در معماری با توجه برخورد لایه‌های زوج‌های متضاد و نیاز به مفصل در معماری شهری و روستایی</p>	<p>شکل (هم برابر و ناهم برابر) کاربری (شبهه و متفاوت) رنگ (تفاوت و شباهت) جنس (مصالح، انسان‌ها، حیوانات، گیاهان) حرارت و برودت اندازه (برابر و ناهم برابر) فرهنگ (همگون و ناهمگون) سن (خرد و کلان) پاکی (پاکی و ناپاکی) تری و خشکی خصوصی و عمومی حرکت و سکون درون و بیرون خلوت و شلوغ جسمانی و روحانی قوی و ضعیف سنگین و سبک نرمی و سختی نور و تاریکی عمودی و افقی جهت متقابل (بالا و پایین، چپ و راست، پشت و مقابل) همگانی و خصوصیت محرم و نامحرم و... زوج‌های متضاد قابل تصور که می‌توان در لایه‌های تصمیم‌گیری جهت طراحی افزود.</p>
---	---

نیازهای طبیعی انسان برای زیستن در یک فضا در برخورد با هر یک از لایه‌های اشاره شده که بعضی کمی هستند و بعضی کیفی نوع متناسب فصل را، معین می‌کنند. این لایه‌ها گاهی بین دو وجه متضاد که تشکیل یک زوج را می‌دهند، روی داده و یک یا سلسله‌ای از فصل‌ها را شکل می‌دهد.

آنچه مسلم است نقش ناظم و شکل دهنده‌ی این اشکال بسیار برجسته است تفکر ناظم و به تبع آن تصمیم‌گیری او در قراردادن اشکال در کنار هم، نوع و گونه‌ی هم‌نشینی اشکال را به وجود می‌آورد. آنچه مسلم است این است که اشکال برای هم‌نشینی باهم نیازهایی برای تکمیل خود دارند که انتظار آن‌را دارند که توسط قرین‌های خود تامین شود. پس می‌توان گفت که هر شکل یک نیاز ذاتی دارد و ناظم متناسب با قابلیت هر شکل و قرینگی آن‌ها نوع شکل و قرینگی را انتخاب می‌کند. به دیگر سخن برآیند نیاز عملکردی و قابلیت هر شکل حاصل هم‌نشینی را معین می‌کند.

 <p>تکرار مثلث با نظم رأس به رأس و تشکیل شکلی بزرگتر در این حالت فصل بین دو شکل مثلثی وارونه به همان اندازه است</p>	<p>تکرار چهار گوش در حالت هم نشینی ضلع به ضلع در این حالت هر مربع فصل دیگری نیز هست</p> 
 <p>ساخت مثلث بزرگتر و شش گوش از مثلث</p>	<p>تکرار چهار گوش بدون تماس اضلاع در این حالت فضاهایی به شکل خطوط متقاطع فصل مربعهاست</p> 
 <p>تکرار پنج گوش در حالت‌های تماس دیگر در دو و سه ضلع در این حالت اشکالی به غیر از پنج گوش فصل آنها می‌شوند</p>	
 <p>تکرار مثلث حول یک رأس و تشکیل شش گوش و تکرار مجموع آنها در این حالت فصل بین مثلث‌ها مثلثی دیگر و وارونه خودش است.</p>	 <p>تکرار شش گوش در حالت‌های تکرار با هم نشینی ضلع به ضلع و تقارن آینه‌ای</p>
 <p>تکرار آینه‌ای مثلث حول یک محور در این حالت فصل دو مثلث مثلثی وارونه مثلث دیگر است</p>	 <p>در حالت بالا لوزی و شش گوش فصل بین دو شکل است و در حالت پایین هر شش گوش فصل برای دیگری است.</p>
<p>> تکرار هفت گوش در دو حالت تکرار در اثر هم‌جواری دو ضلع و تکمیل آن پس از ۱۴ بار تکرار و هم‌جواری دو ضلع و تکرار انعکاسی و ایجاد فضاهای متنوع</p>	 
 <p>تکرار هشت گوش با هم‌جواری چهار ضلع و ایجاد فصل‌های مربع شکل</p>	<p>> تکرار هفت گوش بدون هم‌جواری اضلاع و تکرار آینه‌ای مجموعه خطی آن و ایجاد فصل‌های متنوع</p> 
<p>> تکرار ۱۲ گوش و هم‌جواری از چهار ضلع و ایجاد فصل به شکل ستاره چهار پر</p>	

شکل (۳-۴) هم‌جواری اشکال منظم با هم و ایجاد فصل‌های هماهنگ کننده بدون در نظر گرفتن عملکرد یا

چیز دیگر در اثر تکرار شکل

مسلماً اشکال معماری با انسان معنی پیدا می‌کند. از این رو نیاز انسان و عملکرد فضا و استعداد‌های زمین بر هم‌نشینی شکل‌ها، متناسب با این که چه شکلی برای چه عملکردی در نظر گرفته شده است، تأثیر می‌گذارد. از این رو اگر با ترکیب سه جدول و نمودار (۳-۱) و (۳-۳) و (۴-۳) شاید بتوان مدل تولید شکل در معماری بومی را ساخت و بر این پایه با تغییر در نوع، جنس و عملکردها کیفیت فضاها (شکلها) گوناگون‌تر و هم‌نشینی شکل‌ها معنی جدیدی خواهند یافت. اگر عمل‌کرد را از هم‌نشینی اشکال برداریم حاصل، یک تابلوی نقاشی بدون کاربرد خواهد بود. در صورتی که در معماری بومی چنین نیست و هر چیزی حداقل یک عملکرد برای آن می‌توان بر شمرد. مثلاً در معماری ایبانه برای ساختن یک نرده از یک گره چینی زیبا که حاصل هم‌نشینی شکل‌ها است استفاده می‌شود و وجه کاربردی آن به همراه وجه نمادین آن بیان می‌شود.



۴) وجه نمادین در انسان طبیعت و معماری

می‌توان تناسب و تناظری زیبا بین معماری طبیعت و انسان در این رابطه کشف نمود که به زیبایی در متون دینی به این مهم اشاره شده است. انسان دارای دو بعد زمینی و آسمانی است و نفس او برزخ بین این دو است. طبیعت نیز از دو وجه آسمانی و زمینی برخوردار است که از دیدگاه شیعه دلیل پایداری زمین و آسمان و اتصال این دو انسان کامل است. به همین مبنا نیز می‌توان معماری را نیز دارای دو وجه زمینی و آسمانی دانست که فضا و حضور انسان در فضا همان برزخ یا فصل آن دو است. مطالب گفته شده در بالا برداشت و نتیجه گزاره‌های زیر است که به معماری تاویل شده است.

گزاره‌ی اول در باره‌ی سبب اتصال بین زمین و آسمان که انسان کامل است.

«این السبب المتصل بین الارض و السماء» (قمی: ۱۳۷۹، ۹۸۱)

گزاره‌ی دوم نیز از امام علی(ع) در نهج البلاغه خطبه ۱۴۳ درباره‌ی انسان کامل است که می‌فرماید انسان کامل معلق بین دنیا و محل اعلی با بدن و روح است.

« وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى أَوْلَيْكَ خُلْفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ » (امام علی (ع): ۱۳۷۰، ۹۰۹) براین پایه می‌توان انسان کامل را فصل بین زمین و آسمان دانست. گزاره‌ی سوم معماریان از منظر معناگرایان زیبایی معماری مقدس را پیوند زمین و آسمان می‌داند.

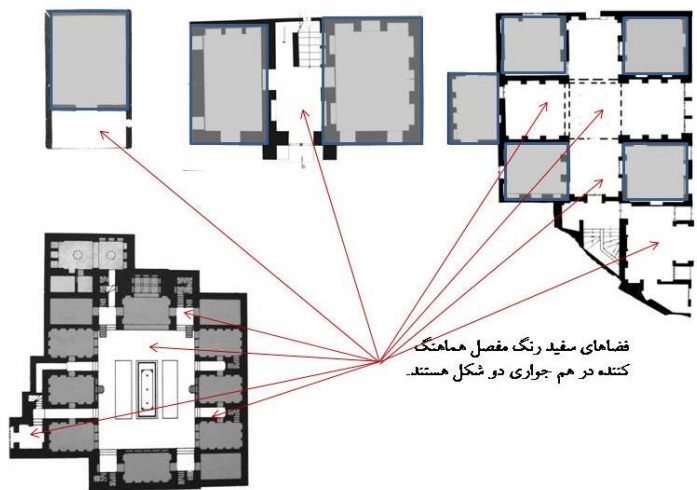
«معماری مقدس از آن رو زیباست که وابسته است به مرکزی ترین کانون وظایف بشر که همانا پیوند دادن و نزدیک ساختن آسمان و زمین است...» (معماریان: ۱۳۸۴، ۴۵۶) «آدمیزاد که واپسین مظهر آفرینش و تجلی حق به شمار می‌آید، جایی میان عالم محسوس و عالم معقول قرار دارد.» (همان، ۴۷۹)

گزاره‌ی دیگری که اثبات استفاده از اشکال به طور نمادین در معماری را اثبات می‌کند نظریه راپاپورت است.

«فرضیه اصلی راپاپورت این است که شکل خانه نتیجه نیروهای فیزیکی یا هر علت مجرد دیگر نیست بلکه نتیجه گسترده عوامل اجتماعی - فرهنگی است. شکل مسکن به نوبه خود به وسیله‌ی شرایط اقلیمی، روش‌های ساختمان سازی (سازه‌ای) و مواد قابل دسترس و تکنولوژی قابل تغییر است اما آنها را نمیتوان نیروهای اولیه نامید. راپاپورت به آنها عوامل درجه دو یا تغییر دهنده می‌گوید. (همان، ۳۸۳) راپاپورت به عامل مذهب به عنوان نیروی محرکه ای مهم اشاره می‌کند. اشاره او به خانه‌های قبایلی در کشور آفریقایی مالی بسیاری جالب است. در دو آبادی "دوگان" و "بامبارا" در این کشور، هر موضوع و حادثه اجتماعی می‌تواند دارای دو وجه مادی و کارکردی و "نمادین" باشد. اشیای خانه در عین حال که کارکرد خاص خود را دارند دارای ویژگی‌های نمادین (سمبولیک) نیز می‌باشند. زمین‌های کشاورزی در عین حال که برای صاحبانش سودآوری و منفعت مادی دارند بازتابی از نظم عالم هستی هستند. روستاهای آنها به صورت جفت ساخته شده‌اند تا آسمان و زمین را تداعی نمایند و مزارع به گونه مارپیچی درست شده‌اند زیرا که (به اعتقاد مردم دوگان) جهان مارپیچی و حلزونی خلق شده است. خانه مدلی از عالم هستی در یک مقیاس کوچک‌تر است.» (همان، ۳۸۴)

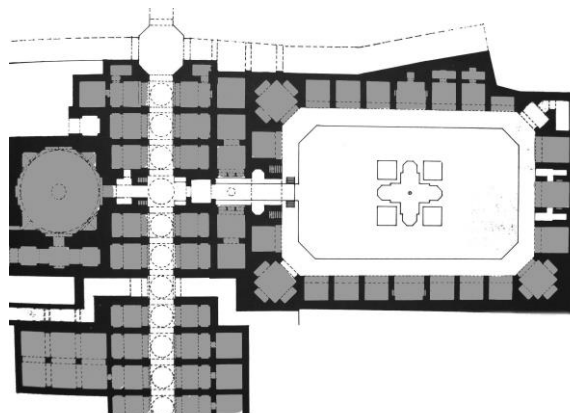
۵) هم نشینی اشکال در معماری بومی ایران و نقش فضای برزخی

با مطالعه‌ی معماری بومی ایران و بررسی هم‌نشینی اشکال معماری آن‌ها دریافته می‌شود که اشکال در معماری بومی از قاعده‌ی خاصی پیروی می‌کنند. قاعده اینست که در هم نشینی دو فضای اصلی چه هم جنس و یا غیر هم جنس حتماً مفصل فضایی وجود دارد.



شکل (۱-۵) فصل‌های هماهنگ کننده شکلی در معماری روستای ابیانه و شهر یزد (برگرفته از معماریان: ۱۳۸۵، صص ۳۵۱، ۳۵۰ و ۴۱۰) و تصویر پایین برگرفته از: قزلباش و دیگران: ۱۳۶۴، ۲۶)

مفصل‌هایی که در بین اشکالی با عمل کرد متفاوت هستند با اشکالی که در بین عمل‌کردهای یکسانی سامان یافته‌اند، متفاوت است. مثلاً مفصل ارتباطی بین داخل و خارج یک حمام طولانی‌تر می‌شود یعنی برای داخل شدن به حمام طی مراحل و فصل‌هایی بیشتری لازم است تا مثلاً رسیدن به یک آشپزخانه.

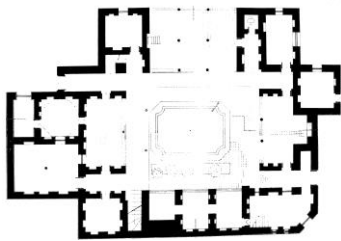


شکل (۲-۵) بازار پنجه علی یزد (برگرفته از: همان، ص: ۲۱)

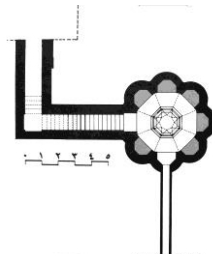
فضاهایی که با رنگ سفید مشخص شده‌اند لایه‌های مختلف فصل‌های هماهنگ کننده شکلی فضاهای بازار پنجه علی را نشان می‌دهد.

هم نشینی اشکال هم جنس در بازارها که فضاهای عمومی هستند با فضاهای خصوصی متفاوت است اما قاعده کلی در هر دو یکی است یعنی نیاز به مفصل در همه حال وجود دارد اما شدت و شکل آن‌ها با هم متفاوت است یعنی در هم نشینی دو عملکرد نامتجانس حتماً مفصل قوی‌تر از دو عملکرد متجانس است.

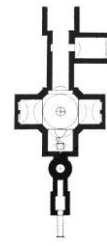
بر این قاعده مفصل‌ها در تمام کاربری‌ها وجود دارد یعنی یک پایاب، آسیاب، رخسویخانه، آبریزگاه، مسجد، گرمابه و دیگر فضاهای عمومی هر یک متناسب با وضع عملکردی خود از یک تا یک سلسله مفصل بهره می‌برند.



شکل (۵-۶) زیارت ایبانه (برگرفته از: معماریان: ۱۳۸۵، ۴۵۲)



شکل (۵-۵) پایاب (همان، ص: ۲۷)



شکل (۴-۵) آسیاب (همان، ص: ۱۹)

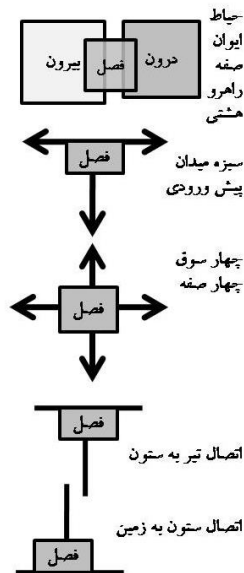
۶) توده‌ی ساختمانی، عامل ایجاد فضا و شکل معماری

جنس را با جنس خود کرد قرین	طبله‌ها در پیش عطاران ببین
زین تجانس زینتی انگیخته (مولوی، مثنوی)	جنس‌ها با جنس‌ها آمیخته

(معنوی)

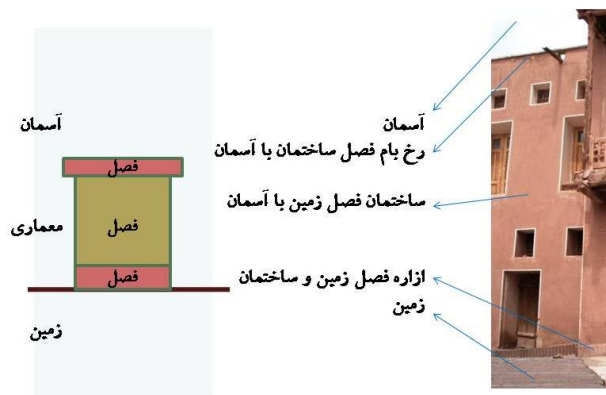
عامل جداسازی فضاها و اشکال از هم در معماری به عهده توده‌ی ساختمانی است. (یعنی دیوارها، درها، پنجره‌ها، فخرمدین‌ها، نرده‌ها و...) توده ساختمان عامل جداسازی فضا از هم و عامل ایجاد اشکال فضاها است از این رو رابطه‌ی ضروری بین ایجاد شکل فضا و توده وجود دارد.

در هم نشینی فضاها و جداسازی فضاها، توده ساختمانی متفاوت عمل می‌کند بسته به اینکه از چه جنسی باشد (خشت، چوب) و یا متحرک باشد یا ساکن (درب و دیوار) یا شفاف یا کدر باشد (فخرمدین و شیشه و یا دیوار)، نوع فضای روانی، متفاوت است. هر چند که شکل فضا هم مؤثر است. (گروتز: ۱۳۸۳، ۲۷۶ تا ۳۵۱) در معماری بومی ایران علاوه بر نقش جداسازی دیوارها نقش سازه‌ی آن‌ها را نیز نباید به فراموشی سپرد و از سویی حجم توده ساختمانی علاوه بر کارکرد سازه‌ی کارکردهای اقلیمی نیز دارد.



شکل (۵-۷) ایجاد فصل در محل تغییر دو کمیت یا کیفیت

بر این قاعده می توان گفت اتصال تیر به ستون، اتصال ستون به زمین، اتصال تیر به تیرچه، اتصال زمین به ساختمان، اتصال ساختمان با آسمان، اتصال توده ساختمان (سازه ای) با فضا هم دارای مفصل هایی هستند. شاید بتوان نتیجه گرفت که این هم نشینی ضروری است.



شکل (۵-۸) سلسله مراتب قرینگی زمین و آسمان و معماری به عنوان فصل بین این زوج

در تعامل با محیط و معماری می توان نوع دیگر هم نشینی یا علت هم نشینی را کشف کرد. منشاء همه هم نشینی ها به گونه ای به انسان باز می گردد. یعنی در هم نشینی معنایی انسان است که فضا و

قرین‌ها را درک می‌کند و این انسان است که عمل کرد و سازه را معین می‌کند و این انسان است که فرهنگی را می‌سازد و در بستر فرهنگ خاصی معماری می‌کند. این انسان است که در اقلیم‌های متفاوت و جغرافیای گوناگون، نوع هم‌نشینی مصالح و فضاها را تعریف می‌کند و گاهی این هم‌نشینی بین قرین‌ها تبدیل به قرینگی شکلی می‌شود که باز هم این انسان است، در یک تعامل چند سویه، برای خلق فضا به آن معنا، عمل کرد، سازه و برنامه می‌دهد.

(۷) نتیجه:

هم نشینی شکلها در معماری بومی ایران واجد سلسله مراتبی است که بیانگر آنست هر دو شکل به منظور کارکردهایی در کنارهم قرار می‌گیرند توسط مفصل‌هایی به هم متصل می‌شوند که می‌توان آنها را به متون تاویل کرد.

جدای از کارکرد و سازه به نظر می‌رسد وجه نمادین در قرار گیری اشکال در کنار هم نیز قابل فهم باشد.

هم نشینی اشکال پاسخگویی متناسب به نیازهای قرین‌ها است. معمار مسلمان بایستی قرینه شناس باشد و از نیاز قراین آگاه باشد تا بتواند آنها را به خوبی در کنار هم جفت کند.

تناظری بین انسان طبیعت و معماری در هم‌نشینی آنها وجود دارد که نشان از تطابق نظام‌ها در آنهاست این می‌تواند یکی از ویژگیهای معماری اسلامی باشد.

(۸) منابع:

۱. قرآن کریم
۲. امام علی علیه السلام؛ نهج البلاغه؛ ترجمه زمانی نجف آبادی، مصطفی؛ تهران؛ موسسه انتشارات نبوی؛ چاپ پانزدهم ۱۳۷۹؛ ۱۳۷۰
۳. قزوینی روغنی؛ محمد صالح بن محمد باقر؛ شرح نهج البلاغه؛ تصحیح سید ابراهیم میانجی؛ تهران؛ چاپ اسلامی؛؟؛ ۴ جلد؛ ۱۳۸۰ ق
۴. مدرس وحید؛ میرزا احمد؛ [میرزا آقا]؛ شرح نهج البلاغه؛ بیجا؛ ۱۴۰۲ ق
۵. کتابخانه الکترونیک شعر فارسی؛ [CD_ROM]؛ درج ۲؛ مهر ارقام رایانه [۸۳/۵/۱۲]
۶. معماریان، غلامحسین؛ سیری در مبانی نظری معماری، نشر سروش دانش، تهران؛ ۱۳۸۴
۷. معماریان، غلامحسین؛ آشنایی با معماری مسکونی ایران گونه شناسی برونگرا، تهران سروش دانش (چاپ چهارم ۱۳۸۶)؛ ۱۳۸۵
۸. گروتر، یورگ؛ زیبایی شناسی در معماری، ترجمه دکتر جهانشاه پاکزاد و دیگران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛ چاپ دوم؛ (۱۳۸۳)
۹. قزلباش و ابو ضیاء. محمد رضا و فرهاد. الفبای کالبدی خانه‌های سنتی یزد. تهران. وزارت برنامه و بودجه (۱۳۶۴)
۱۰. احمدی دیسفانی. یداله. «تبیین جایگاه حکمت الهی در طبیعت و بازمینی نقش آن در معماری اسلامی» رساله دکتری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. ۱۳۸۷
۱۱. قمی، عباس کلیات مفاتیح الجنان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم؛ ۱۳۷۴